

مطالعات علوم اسلامی انسانی

مقاله پژوهشی، سال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان ۱۴۰۴ (ص ۱ - ۱۵)
دریافت: دی ماه ۱۴۰۴ پذیرش: اسفندماه ۱۴۰۴

بررسی نقش‌های زبان همدلی و فرازبانی در بوستان سعدی بر اساس نظریهٔ یاکوبسن

Examining the roles of language in Saadi Boostan based on Jacobsen's theory

فاطمه اختران فر/ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، گیلان، ایران.
مهسا پورانصاری/ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، گیلان، ایران.

Fatemeh Akhtaran Far/ Faculty of Humanities, Department of Persian Language and Literature in Islamic Azad University of Lahijan Branch, Gilan, Iran.

Mahsa Puransari/ M.A of Persian literature of Islamic Azad University of Lahijan Branch, Gilan, Iran.

Mahsapouransari1@gmail.com

Abstract

Linguists have stated various roles about language, the best and most complete of which is Roman-Jacobsen's theory of language communication. Jacobsen states six communication components for language, which are: message message sender message receiver code topic channel of communication. Based on these components, language accepts six roles: emotional role, persuasive role, referential role, metalinguistic role, empathy role, literary role. The present research, which is carried out in a descriptive-analytical way, investigates these roles in Saadi Park in order to determine the different roles of language and methods of communication with the audience and their impact in conveying the content of the park, and to gain a deeper understanding of this outstanding work. be made. The results of this research show that Saadi Boostan has all the six roles mentioned because of its many moral and social functions as well as the easy and fluent language of its creator. It can also be seen from this research that the role of meta-linguistics is less than other linguistic roles, and the persuasive role

چکیده

زبان‌شناسان نقش‌های مختلفی دربارهٔ زبان بیان کرده‌اند که بهترین و کامل‌ترین آن‌ها نظریهٔ ارتباط زبانی رومن یاکوبسن است. یاکوبسن شش مولفهٔ ارتباطی برای زبان بیان می‌کند که عبارت است از: پیام، فرستنده پیام، گیرنده پیام، رمز، موضوع، مجرای ارتباطی تماس. زبان بر اساس این مولفه‌ها، شش نقش می‌پذیرد: نقش عاطفی، نقش ترغیبی، نقش ارجاعی، نقش فرازبانی، نقش همدلی و نقش ادبی. پژوهش حاضر که به شیوهٔ توصیفی-تحلیلی انجام شده است به بررسی نقش‌های فرازبانی و همدلی در بوستان سعدی می‌پردازد تا نقش‌های متفاوت زبان و شیوه‌های ارتباط با مخاطب و تاثیر آن‌ها در انتقال محتوای بوستان مشخص شود و درک عمیق‌تری از این اثر ممتاز حاصل گردد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بوستان سعدی به دلیل کارکردهای اخلاقی و اجتماعی بسیار و نیز زبان سهل و روان خالقش دارای همه‌ی نقش‌ها مذکور است. همچنین از برآیند این پژوهش می‌توان پی برد که نقش فرازبانی در آن نسبت به سایر نقش‌های زبانی کمتر است.

کلیدواژه‌ها: بوستان سعدی، نقش‌های زبان، نظریه یاکوبسن.

is more frequent due to the instructional and didactic content of Boostan.

Keyword: Boostan Saadi, six roles, theory Jacobsen.

مقدمه

رومن یاکوبسن زاده ۱۱ اکتبر ۱۸۹۶ و درگذشته ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۲، زبان‌شناس روسی و نظریه‌پرداز ادبی بود. او یکی از بنیان‌گذاران مکتب زبان‌شناسی «پراگ» است. همچنین اثرپذیرفته از: فردینان دوسوسور، نیکولای تروبتسکوی، پانینی و الکساندر لوریا بوده و نیز تأثیرگذار بر کلودلوی-استروس، رولان بارت، ژوزف گریبنبرگ، دل هایمز، ژاک لاکان، جورجو آگامبن، پل ریکور، موريس هله، میشل فوکو و نوآم چامسکی بوده است.

بیان مساله

ابومحمد مشرف‌الدین مصلح‌الدین بن عبدالله (۶۹۰-۶۰۶ ه. ق)، متخلص به سعدی شیرازی، شاعر و نویسنده پرآوازه ایرانی است. اهل ادب به او لقب «استاد سخن»، «پادشاه سخن»، «شیخ اجل» و حتی به طور مطلق «استاد» داده‌اند.

سعدی در نظامیه بغداد تحصیل کرد و پس از مدتی به عنوان خطیب به مناطق مختلفی از جمله شام و حجاز سفر کرد. سپس به زادگاه خود شیراز برگشت و تا پایان عمر در آن جا اقامت گزید. آرامگاه وی در شیراز واقع شده و به «سعدیه» معروف است. سبک او عراقی است و آثار او شامل گلستان، بوستان، غزلیات و قصاید است، که در مجموع «کلیات سعدی» نام دارد. مهم‌ترین خصیصه سعدی داشتن زبانی روان و سهل ممتنع است.

بی‌شک مهم‌ترین نظریه در عرصه ارتباط متعلق به یاکوبسن است. یاکوبسن در مقاله‌ای تحت عنوان «زبان‌شناسی و بوطیقا» الگوی ارتباطی و عوامل تشکیل‌دهنده آن را چنین تقسیم می‌کند: «فرستنده پیامی را برای گیرنده می‌فرستد. این پیام برای آنکه مؤثر باشد، باید به زمینه یا مصداقی ارجاع دهد و گیرنده بتواند آن را دریابد. همچنین به رمزی نیاز دارد که تا حدی بین گیرنده و فرستنده یا به عبارت دیگر بین رمزگذار و رمزگردان مشترک باشد و سرانجام به تماس نیاز است، یعنی مجرای فیزیکی و پیوندی روان‌شناختی میان فرستنده و گیرنده پیام که به هر دو امکان می‌دهد تا ارتباط کلامی برقرار کنند و آن را ادامه دهند» (رسول پور، ۱۳۹۶: ۵۵).

مبانی نظری

ادبیات و زبان ادبی

ادبیات و زبان ادبی پدیده‌ای جهانی‌ست و ذات و جوهره آن در تمامی فرهنگ‌ها یکسان است. ادبیات، هنر بیان درونیات انسان‌ها به وسیله کلمات است. همچنین ادبیات «تجلی اندیشه‌ها و احساسات نیرومندی است که انسان آن‌ها را تجربه می‌کند و به کمک علائم، خط‌ها، رنگ‌ها، حرکات و اشارات، اصوات و کلمات، بیان می‌دارد» (حق شناس، ۱۳۷۰: ۵۳).

تعریف نظریه (تئوری)

واژه تئوری (نظریه) از واژه یونانی (theoria) گرفته شده و به معنای بینش و جهان‌بینی است. قدمت نظریه‌ها از یونان باستان شروع می‌شود. همان‌طور که یونان مهد فلسفه است، نخستین نظریه‌ها نیز در این سرزمین شکل گرفت که این خود نشان‌دهنده ارتباط ناگسستی بین نظریه‌ها و فلسفه است.

آثار و اندیشه‌های سعدی

همه آثار سعدی اعم از شعر و نثر در مجموعه‌ای تحت عنوان کلیات سعدی جمع‌آوری شده است. این مجموعه شامل بوستان و گلستان و نصیحه‌الملوک، رسالهٔ عقل و عشق و مجالس پنجگانه می‌باشد علاوه بر این، غزلیات و هزلیات یا خبیثات نیز به صورت مستقل به چاپ رسیده‌است. آثار نامبرده مشتمل بر قصاید، مراثی، ملمعات و مثلثات، ترجیعات، صاحبیه، رباعیات و مفردات است. قصاید، شامل قصیده‌های عربی و فارسی است. قصیده‌های عربی در حدود هفتصد بیت است و بیشتر دارای مضامین غنایی یا مدح است.

پیشینه تحقیق

الف: پژوهش‌های مرتبط با بوستان

آهنگر و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به نام «تحلیل استعاره‌های بوستان سعدی بر اساس نظریه آمیزه‌ی مفهومی» به توصیف و تحلیل حوزه‌های مفهومی به کار رفته در استعاره‌های بوستان سعدی بر اساس نظریه آمیزه مفهومی مطرح شده توسط فوکونیه و ترنر پرداختند. نتایج کار آن‌ها نشان داد که حوزه‌های مفهومی به کار رفته در استعاره‌های بوستان سعدی را می‌توان در ۱۳ گروه دسته‌بندی کرد که عبارت اند از:

۱- جاندارپنداری ۲- سفر برای مفهوم زندگی ۳- استفاده از جهت‌ها برای مثبت و منفی ۴- پدیده‌های طبیعی ۵- حیوانات ۶- مزه‌ها ۷- کشاورزی ۸- اعضای بدن ۹- مظلوف بودن‌هایی که ظرف نیستند ۱۰- اشیاء ۱۱- افعال ۱۲- شخصیت‌های انسانی ۱۳- محل پژوهشگران.

وحدانی‌فر (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با نام «بررسی پیرنگ حکایت‌های بوستان سعدی» به بررسی ساختار پیرنگ حکایت‌های بوستان در نشان دادن شیوه‌ی بیان سعدی اهمیت داده است و هدف او از این پژوهش، مشخص کردن ساختار پیرنگ حکایات بوستان است که نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد، اغلب حکایت‌های موجود در بوستان با وجود کوتاهی‌شان از پیرنگ طبیعی برخوردارند و عناصر اساسی پیرنگ (گره افکنی، کشمکش، تعلیق، بحران، نقطه‌ی اوج و گره‌گشایی) در آن‌ها به شکل بارز خودنمایی کرده است.

دکتر محمدی کله‌سر و خانم قربانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با نام «ساختار روایی بوستان سعدی، اخلاقی یا عرفانی؟» با هدف بررسی و معرفی الگوهای روایی بوستان و تعیین نسبت این الگوها با روایت‌گری تعلیمی و عرفانی پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که الگوهای مرسوم در حکایت‌های تعلیمی فارسی یعنی دو الگوی خطا و پاداش است که در این میان حکایت‌هایی با مضامین و مولفه‌های عرفانی وجود دارد که گاه از الگوهای شبیه به الگوهای تاویلی روایت‌گری عرفانی پیروی می‌کند اما نوع تفسیر و خوانش این نمونه‌ها چنان است که غلبه الگوهای تعلیمی بر روایت‌گری بوستان را نشان می‌دهد.

گراوند و همکارانش (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با نام «بازتاب مشارکت اجتماعی در بوستان سعدی»، مولفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی را بیان کردند که عبارت است از: هنجارگرایی، اعتماد، مشارکت. آنها در این پژوهش به بررسی نظر اجتماعی سعدی و مولفه‌های مشارکت در بوستان، به شیوه‌ی اسنادی همراه با تحلیل محتوا پرداختند و نشان دادند که بسامد مولفه‌ی مشارکت در بوستان بعد از هنجارگرایی و اعتماد قرار دارد. از نظر نوع مشارکت برون‌سویه که نشانه‌ی روابط عاطفی جامعه‌ی مطلوب سعدی است، دارای بیشترین فراوانی است و بعد از آن مشارکت درون‌سویه قرار می‌گیرد. مشارکت بر اساس تقسیم کار و مشارکت تخصصی دارای بسامد صفر بوده است و این یافته با ویژگی‌های جامعه‌ی عصر سعدی همخوانی دارد.

صیادکوه (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با نام «بررسی و تحلیل ساختمان جمله در بوستان سعدی» با بررسی الگوی جمله‌های به کار رفته در این اثر، به این نتیجه رسید که، سعدی از سه الگو بیش‌تر استفاده کرده است و اکثر جمله‌های بوستان بر اساس این سه الگو ساخته شده‌اند. بر اساس الگوی (مسندالیه + مفعول‌رایی + فعل تام متعدی) است. بیش از ۳۸ درصد از جمله‌ها در بوستان طبق این الگو ساخته شده‌اند. الگوی (مسندالیه + فعل تام لازم) نیز کاربرد زیادتری نسبت به الگوهای دیگر دارد. پس از آن، الگوی (مسندالیه + مکمل (مسند) + فعل ربطی) بیش‌ترین کاربرد را در بوستان دارد.

ب: پژوهش‌های مرتبط با نظریه‌ی یاکوبسن

نجفی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با نام «آداب مکالمه‌ی انسان با خدا بر اساس مدل ارتباطی دیوید برلو و نظریه‌ی یاکوبسن (با تکیه بر آثار منشور عرفانی تا قرن هفتم)، این مقاله به تحلیل ارتباط کلامی انسان با خدا از نظریه‌های جدید مانند نظریه‌ی یاکوبسن و مدل ارتباطی دیوید برلو پرداخته شده است. در این مقاله به این نتیجه رسیدند که بر اساس نظر یاکوبسن انسان به عنوان گیرنده پیام خداوند، نقش عاطفی دارد و احساسات خود را در نماز و ذکر و دعا بازتاب می‌دهد، اما زبان قدرت بیان احساسات و دریافت‌ها و تجربیات عرفانی را ندارد و همچنین به سبب وجود مخاطبان کج اندیش و نامحرم، مفاهیم عرفانی در قالب الفاظ رمزآمیزی در می‌آید که هر کس قادر به درک آن نباشد.

عزیزی و فخراسلام (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با نام «بررسی الهی‌نامه عطار بر اساس نظریه ارتباطی و کارکردهای زبانی یاکوبسن» با هدف دستیابی به شناخت بهتر و دقیق‌تر «الهی‌نامه» از دریچه نظریه نقش‌های زبانی یاکوبسن، به بررسی پرداخته‌اند. این پژوهش نشان داده است که در شعر عطار همه‌ی کارکردهای زبانی یاکوبسن دیده می‌شود. عطار به خوبی مخاطب خود را می‌شناسد و با روش‌های گوناگون با او ارتباط همدلانه برقرار می‌کند.

آقابائی و قربانی مادوانی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با نام «بررسی ویژگی‌های شعری شاملو و نزار قبانی با تکیه بر نظریه زبان‌شناسی قطب‌های استعاری و مجازی یاکوبسن»، با هدف بررسی ادبیات از دیدگاه زبان‌شناسی پرداختند و دفتر «آیدا در آینه» از شاملو و «بلقیس» از نزار قبانی را بررسی کردند و نتایج پژوهش آن‌ها به این گونه بود: شاملو شعر خود را به گونه‌ای نوشته که درک هر بیت در گرو اندیشیدن خواننده و دستیابی وی به انتخاب‌های شاعر از روی محور جانشینی است، در حالی که مخاطب در اشعار قبانی غالباً با ترکیب‌های شاعر بر روی محور هم‌نشینی روبه‌رو است و همین عامل سبب درک آسان اشعار و مفاهیم آن شده است. در نهایت گرایش شاملو به سمت فرایند انتخاب بر روی محور جانشینی، سبب ایجاد فضای خاصی چون ایجاد معانی ضمنی در ابیات، پیچیدگی، ابهام، دوری مدلول و مصداق از یکدیگر و گرایش قبانی به سمت فرایند ترکیب و نزدیکی مدلول و مصداق است که سبب درک آسان ابیات شده است.

ابویسانی و فخراسلام (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با نام «تحلیل نقش‌های زبانی در اسطوره زال بر اساس نظریه ارتباطی یاکوبسن»، به تحلیل نقش‌های زبانی و عناصر ارتباطی یعنی زبان، پیام، مخاطب و فرستنده، براساس الگوی ارتباط کلامی یاکوبسن، به بازکاوی رموزها و نمادها پرداختند بر این اساس مشخص شد که تمرکز بر نقش فرازبانی است. اهداف آنها از این پژوهش، بررسی میزان تاثیر نقش‌های زبانی بر خوانندگان و بسامد هر کدام از آن‌ها، شناسایی رموزها و تمثیل‌های گنجانده شده در داستان زال، درک و دریافت مفاهیم انتزاعی است که به صورت غیرمستقیم بیان شده است.

روش تحقیق

با توجه به ماهیت و اهداف این پژوهش، روش تحقیق در آن به شکل کتابخانه‌ای (مطالعاتی) با مطالعه‌ی کتاب‌ها و مقالاتی که در ارتباط با نظریه زبانی یاکوبسن و همچنین مطالعه نظریه‌های مختلفی که در ارتباط با نظریه یاکوبسن موجود است و مطالعه کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط با بوستان سعدی، صورت می‌گیرد. داده‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش برای همه زمان‌ها قابلیت مطالعه و استفاده دارد و محدود به زمان و مقطع خاصی نمی‌باشد.

روش جمع‌آوری اطلاعات

در این پژوهش، جمع‌آوری اطلاعات بر اساس فیش‌برداری از ابیات بوستان سعدی (غلام‌حسین یوسفی) صورت گرفته به گونه‌ای که بعد از مطالعه‌ی هر نقش زبانی با توجه به کتاب‌ها و مقالات مرتبط با موضوع پژوهش، نقش زبانی در ابیات بوستان سعدی در نسخه ذکر شده مورد جستجو قرار می‌گیرد و ابیاتی که نقش زبانی مرتبطی داشته باشند در کنار هم قرار می‌گیرند.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی است، زیرا بوستان سعدی بر پایه نظریه زبانی یاکوبسن مورد مطالعه و جستجو قرار می‌گیرد و همچنین اجرای این تحقیق صرفاً برای شناخت بیشتر نقش‌های زبانی در ابیات بوستان صورت گرفته و انواع نقش‌ها توصیف و توضیح داده می‌شود. بنابراین روش توصیفی (غیرآزمایشی) دارد. شواهد بدست آمده از این بررسی به پیشرفت و توسعه‌ی بسیاری از موضوعات مربوط به این اثر کمک می‌کند.

اهداف پژوهش

- ۱- نقش‌های متفاوتی زبان همدلی و فرازبانی و میزان اثرگذاری آن‌ها در انتقال محتوای بوستان سعدی مشخص شود.
- ۲- این پژوهش ما را به درک عمیق‌تری از بوستان و زبان شیوای سعدی رهنمون سازد.

تحلیل داده‌ها

نقش فرازبانی

به اعتقاد یاکوبسن، هرگاه گوینده یا مخاطب یا هر دوی آن‌ها احساس کنند لازم است از مشترک بودن رمزی که استفاده می‌کنند مطمئن شوند، جهت‌گیری پیام به سوی رمز خواهد بود. در چنین شرایطی زبان برای صحبت درباره خود زبان به کار می‌رود و واژگان مورد استفاده شرح داده می‌شود. از نقش فرازبانی به ویژه در فرهنگ‌های توصیفی استفاده می‌شود؛ برای نمونه جمله‌ای نظیر «عمو یعنی برادر پدر» نشان‌دهنده کاربرد فرازبانی است، یا مثلاً «گفتم جواد؛ جیم واو الف دال» (صفوی، ۱۳۹۰: ۳۶). «بری، ذاتش از تهمت ضد و جنس غنی، ملکش از طاعت جن و انس» (سعدی، ۱۳۸۴: ۱۶) سعدی در بیت بالا ذات خداوند را مبرا و غنی و بی نیاز مطلق بیان می‌کند.

در نعت پیامبر:

«کریم السجایا جمیل الشیم	نبی البرایا شفیع الامم
امام رسل، پیشوای سیل	امین خدا، مهبط جبرئیل
شفیع الوری، خواجه بعث و نشر	امام الهدی، صدر دیوان حشر» (همان: ۶۸-۷۰)

در ابیات بالا سعدی صفات‌های پیامبر را بر شمرده است.
-در سبب نظم کتاب:

«نه قندی که مردم به صورت خورند	که ارباب معنی به کاغذ برند» (سعدی، ۱۳۷۴: ۱۰۵)
--------------------------------	---

در این بیت سعدی ویژگی سخن خود را، که مانند قند است، بیان می‌کند.
-در عدل و تدبیر و رای:

«رعیت چو بیخند و سلطان درخت	درخت، ای پسر، باشد از بیخ سخت» (سعدی، ۱۳۸۴: ۲۲۳)
-----------------------------	--

سعدی در بیت بالا اهمیت و ویژگی‌های رعیت و سلطان (پادشاه) را بیان می‌کند.
«نویسنده را گر ستون عمل
بیفتد، نبرد طناب امل» (همان: ۲۸۹)

سعدی این بیت را در وصف ویژگی نویسنده گفته است. نویسنده کسی است که بند و طناب آرزوی او از بین نمی‌رود.
«امین و بد اندیش طشتند و مور
نشاید در او رخنه کردن به زور» (همان: ۳۴۳)

این بیت در ویژگی شخص امین و بداندیش گفته شده است. در شخص امانت دار و در شخص بداندیش نمی‌توان به زور هم رخنه کرد.

بیان ویژگی بداندیش را گفته و او را تعریف کرده است:

«بد اندیش بر خرده چون دست یافت	درون بزرگان به آتش بتافت» (همان: ۳۶۳)
«دل است، ای خردمند، زندان راز	چو گفتی نیاید به زنجیر باز» (همان: ۳۷۲)

- در بیت بالا سعدی ویژگی‌های دل را بیان کرده است، دل مانند زندانی است که در او رازهایی وجود دارد. چون رازی بر زبان آید و از زندان فرار کند دیگر به زندان و زنجیر بر نمی‌گردد.
- «رعیت درخت است اگر پروری
به کام دل دوستان بر خوری» (همان: ۴۷۲)
- در این بیت سعدی رعیت را تعریف کرده است:
- «طریقت بجز خدمت خلق نیست
به تسبیح و سجاده و دلق نیست» (همان: ۵۴۳)
- در این بیت او طریقت را تعریف می‌کند که طریقت فقط ظاهرگرایی نیست بلکه اصل آن خدمت کردن به هم نوع است.
- «سپهدار و گردن کش و پیلتن
نکو روی و دانا و شمشیرزن» (همان: ۶۵۸)
- این بیت در وصف دو برادر آمده است.
- «تهیدست تشویش نانی خورد
جهانبان بقدر جهانی خورد» (همان: ۷۰۲)
- در این بیت تهیدست و جهانبان در تضاد با یکدیگر معرفی شده‌اند.
- «نه هر آدمی زاده از دد به است
که دد ز آدمی زاده ی بد، به است
- به است از دد انسان صاحب خرد
نه انسان که در مردم افتد چو دد» (همان: ۷۱۸-۷۱۹)
- این دو بیت در وصف آدمی زاده و انسانیت بیان شده است. همچنین گفته شده که آدم بد از چهارپا بدتر است.
- «حقایق شناسی، جهان‌دیده‌ای
هنرمندی، آفاق گردیده‌ای
- بزرگی، زبان‌آوری کاردان
حکیمی، سخنگوی بسپاردان» (همان: ۸۱۴-۸۱۵)
- این دو بیت برای توضیح مردی مبارک حضور آمده که از راه دوری به نزد شاه رفته بود.
- «خردمند باشد جهان‌دیده مرد
که بسیار گرم آزموده ست و سرد» (همان: ۱۰۴۸)
- بیت بالا در وصف مرد جهان‌دیده بیان شده است. شخصی که تجربه‌های فراوان دارد و خردمند است و سردی و گرمی روزگار را چشیده است.
- حکایت هفتم باب دوم (در احسان)
«به بازار گندم فروشان گرای
که این جو فروش است گندم‌نمای» (همان: ۷۸)
- سعدی در این بیت فردی را معرفی می‌کند که ظاهر و باطنش متفاوت است و در واقع جو فروش گندم نماست.
- حکایت هشتم باب دوم:
«مسلم کسی را بود روزه داشت
که درمانده‌ای را دهد نان چاشت» (همان: ۱۱۷)
- در این بیت از نظر سعدی روزه‌ی کسی مورد قبول حق است که به فقیری غذایی دهد.
- «کرامت جوانمردی و نان دهی است
مقالات بیهوده طبل تهی است» (همان: ۱۳۸۳)
- شاعر کرامت را با بخشندگی همراه می‌داند و گرنه مانند حرف بیهوده عین طبل تو خالی است.
- «بخیل توانگر به دینار و سیم
طلسمی است بالای گنجی مقیم» (همان: ۱۵۴۵)
- در این بیت سعدی ویژگی‌های شخص بخیل مالدار را شرح می‌دهد که او مانند یک طلسمی بر سر گنج یا دفینه است و از آن محافظت می‌کند و دل استفاده از آن مال و ثروت را ندارد.
- در باب سوم در عشق و مستی و شور در حکایت تقریر عشق مجازی و هدف آن در سه بیت بیان می‌کند:
- «تو را عشق همچون خودی ز آب و گل
رباید همی صبر و آرام دل
- به بیداریش فتنه بر خد و خال
به خواب اندرش پای بند خیال
- به صدقش چنان سر نهی بر قدم
که بینی جهان با وجودش عدم» (همان: ۳۵-۳۸)
- و در حکایت در محبت روحانی، در ابیات:
- «به سودای جانان ز جان مشتعل
به ذکر حبیب از جهان مشتعل
- به یاد حق از خلق بگریخته
چنان مست ساقی که می ریخته
- نشاید به دارو دوا کردشان
که کس مطلع نیست بر دردشان» (همان: ۷۱-۷۳)
- سعدی در این ابیات و تا پایان حکایت در محبت روحانی، ویژگی‌های عشق حقیقی را بازگو می‌کند.

- «چه نغز آمد این نکته در سنبداد که عشق آتش است ای پسر پند، باد» (همان: ۱۹۵۴)
- سعدی با استفاده از آرایه تشبیه، عشق را به آتش مانند کرده است و یکی از ویژگی‌های عشق را بیان کرده است. و در باب چهارم (در تواضع) در ابیات:
- «مگس را تو چون فهم کردی خروش که ما را به دشواری آمد به گوش
- تو آگاه گشتی به بانگ مگس نشاید اصم خواندنت زین سپس» (همان: ۲۸-۲۹)
- در این دو بیت علاوه بر ویژگی همدلی نقش فرازبانی دیده می‌شود، زیرا سعدی ویژگی افرادی را بیان می‌کند که خود را در برابر سخن بیهوده و باطل اصم و کر می‌دانند اما صدای مگس را می‌شنوند. که در واقع این افراد به ظاهر کر هستند اما در واقع شنوا هستند.
- در باب پنجم (در رضا) در بیت:
- «سعادت به بخشایش داور است نه در چنگ و بازوی زورآورست» (همان: ۵۷)
- سعدی در این بیت خصوصیات انسان سعادت‌مند را به بخشندگی می‌داند نه با جنگیدن و زورآزمایی.
- در باب ششم (در قناعت) در ابیات:
- «نپنداری این قول معقول نیست چو راضی شدی سیم و سنگت یکی است
- چو طفل اندرون دارد از حرص پاک چه مشتی زرش پیش همت چه خاک
- خبر ده به درویش سلطان پرست که سلطان ز درویش مسکین تر است
- گدا را کند یک درم سیم سیر فریدون به ملک عجم نیم سیر
- نگهبانی ملک و دولت بلاست گدا پادشاه است و نامش گداست» (همان: ۹۴-۹۹)
- سعدی در این ابیات می‌گوید گدا از پادشاه سیم‌پرست، پادشاه‌تر است زیرا گدا با یک درم ناچیز سیر می‌شود اما سلطان یا پادشاه با بدست آوردن ممالک مختلف باز سیر نمی‌شود و در پی بدست آوردن ممالک دیگر است.
- در باب هفتم (در عالم تربیت) در حکایت گفتار اندر فضیلت خاموشی در بیت:
- «صدف وار گوهرشناسان راز دهان جز به لولو نکردند باز
- فراوان سخن باشد آکنده گوش نصیحت نگیرد مگر در خموش» (همان: ۱۲۸-۱۲۹)
- که سعدی با بیان این دو بیت و با استفاده از آرایه تشبیه، ویژگی افرادی را که بیهوده‌گویی نمی‌کنند و در مقابل افرادی که بیهوده‌گو هستند و گوش نصیحت شنیدن ندارند بیان می‌کند.
- در حکایت گفتار اندر پرورش زنان و ذکر صلاح و فساد ایشان، در بیت:
- «زن خوب فرمانبر پارسا کند مرد درویش را پادشا» (همان: ۲۱)
- یکی از ویژگی‌های زن خوب بیان شده است.
- در باب هشتم در حکایت (نظر در اسباب وجود عالم):
- «طبايع تر و خشک و گرم است و سرد مرکب از این چار طبع است مرد» (همان: ۳۴۵۲)
- سعدی در این بیت اخلاط چهارگانه را معرفی می‌کند.
- در باب نهم (در توبه و راه صواب) در حکایت در عالم طفولیت:
- «زنانی که طاعت برغبت برند ز مردان ناپارسا بگذرند» (همان: ۳۷۶۱)
- ویژگی زنانی که با میل و رغبت فرمان‌برداری و طاعت می‌کنند، بیان شده است.

نقش همدلی

بنا به گفته یاکوبسن، «هدف برخی از پیام‌ها این است که ارتباط برقرار کنند، موجب ادامه ارتباط شوند یا ارتباط را قطع کنند؛ برخی دیگر عمدتاً برای حصول اطمینان از عمل کردن مجرای ارتباط است. مانند «الو؛ صدایم را می‌شنوی؟»، «خانم و بچه‌ها چطورند؟» و جز آن» (صفوی، ۱۳۹۰: ۳۷).

سعدی از جمله شاعرانی است که می‌خواهد به وسیله اشعارش با افرادی که مانند خودش همفکر و همدل هستند، یک رابطه همدلانه برقرار کند. در واقع در بسیاری از ابیات بوستان، سعدی سعی دارد که با مخاطب ارتباط ایجاد کند و با بیان بیت‌هایی که نقش همدلانه دارد، سعی در تداوم ارتباط بین خود و مخاطب است. ایجاد ارتباط از راه‌های مختلفی صورت می‌گیرد. گاهی سعدی در بوستان با ایجاد یک پرسش و طرح سوالی با مخاطب ارتباط می‌کند. در این بخش ابیاتی که نقش دستوری مشابهی دارند، با هم دسته‌بندی می‌شوند و نقش زبانی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

-دیباچه بوستان

«دهد نطفه را صورتی چون پری که کرده است بر آب صورتگری؟» (همان: ۳۵)
 «به امرش وجود از عدم نقش بست که داند جز او کردن از نیست، هست؟» (همان: ۴۱)
 «نگنجد کرم‌های حق در قیاس چه خدمت گزارد زبان سپاس؟» (همان: ۱۹۰)
 سعدی با یک پرسش، قدرت خدا را بیان می‌کند. و با این سوال، که چه کسی به غیر از خدا می‌تواند از نطفه، چهره‌ای چون پری ایجاد کند، چه کسی جز او از نیستی و عدم، هستی را می‌آفریند، ارتباط همدلی را ایجاد کرده است.

-در ستایش پیامبر در دیباچه کتاب:

«چه نعت پسندیده گویم تو را؟ علیک السلام ای نبی الوری» (همان: ۸۴)
 «چه کم گردد ای صدر فرخنده پی ز قدر رفیعت به در گاه حی» (همان: ۹۷)
 «چه وصف کند سعدی ناتمام؟ علیک الصلوة ای نبی السلام» (همان: ۹۸)
 در سه بیت فوق شاعر اوصاف پیامبر را برشمرده، با استفاده از این پرسش که سعدی چگونه می‌تواند تو را آنگونه که باید وصف کند و از این طریق با چنین پرسشی در مخاطب، ارتباط ایجاد کرده است.

-در باب اول، در عدل و تدبیرو رای:

«کی آن جا دگر هوشمندان روند چو آوازه رسم بد بشنوند؟» (همان: ۲۵۸)
 «چه دانی که همدست گردند و یار یکی دزد باشد، یکی پرده دار» (همان: ۲۵۹)
 در دو بیت بالا سعدی با بیان این نکته مهم که اگر پادشاهی آوازه و شهرت بدی داشته باشد، چه عواقبی برای او دارد، به دنبال ایجاد رابطه همدلی است. او پرسیده، اگر سایر ممالک از این آیین و روش ناپسند شاه باخبر شوند، چه خواهند گفت؟
 «چو سلطان فضیلت نهد بر وی ام ندانی که دشمن بود در پی ام؟» (همان: ۳۹۰)
 سعدی با بیان حکایتی و سوالی در راستای برتری شخصی بر شخصی دیگر رابطه همدلی ایجاد کرده است.
 «تو کاین روی داری به حسن قمر چرا در جهانی به زشتی سمر؟» (همان: ۳۹۸)
 «چرا نقش بندت در ایوان شاه دژم روی کرده ست و زشت و تباہ؟» (همان: ۳۹۹)
 در دو بیت ذکر شده، سعدی ابلیس را مورد خطاب قرار داده و با پرسش از ابلیس که چرا به زشتی در جهان مشهور است، ایجاد رابطه همدلی کرده است.

-در حکایت شناختن دوست و دشمن:

«تو کی بشنوی ناله دادخواه به کیوان برت کله خوابگاه» (همان: ۴۹۰)
 «که نالد ز ظالم که در دور تست که هر جور کو می کند جور تست» (همان: ۵۰۱)
 «به بانگ دهل خواجه بیدار گشت چه داند شب پاسبان چون گذشت؟» (همان: ۶۰۴)
 «گرفتم کز افتادگان نیستی چو افتاده بینی چرا نیستی؟» (همان: ۶۰۶)
 سعدی با این پرسش که تو چگونه می‌خواهی فریاد دادخواه را بشنوی، در صورتی که در خواب هستی. با ایجاد نقش زبانی همدلی، در پی ایجاد ارتباط است.

«که را دانی از خسروان عجم ز عهد فریدون و ضحاک و جم» (همان: ۵۵۷)

«که در تخت و ملکش نیامد زوال؟ نماند بجز ملک ایزد تعال» (همان: ۵۵۸)

«که را جاودان ماندن امید ماند چو کس را نبینی که جاوید ماند؟» (همان: ۵۵۹)

«خبر داری از خسروان عجم که کردند بر زیر دستان ستم؟» (همان: ۶۴۰)

- «وفا در که جوید چو پیمان گسیخت؟ خراج از که خواهد چو دهقان گریخت؟» (همان: ۶۴۵)
- «چه نیکی طمع دارد آن بی صفا که باشد دعای بدش در قفا؟» (همان: ۶۴۸)
- در ابیات فوق سعدی از مخاطب می‌پرسد آیا پادشاهی آمد که خود و دوره حکومتش نابود نشد؟ و با این سوال، که اگر دهقان نباشد پادشاه خراج از چه کسی باید بستاند؟ ایجاد رابطه همدلی کرده است.
- در حکایت گفتار اندر نکوکاری و بدکاری و عاقبت آن‌ها
- «چو انسان نداند بجز خورد و خواب کدامش فضیلت بود بر دواب؟» (همان: ۷۲۰)
- در بیت بالا با این سوال، که اگر آدمی کاری بجز خوردن و خوابیدن نداشته باشد، چگونه او را از چارپایان با ارزش‌تر بدانیم؟ ارتباط همدلی ایجاد شده است.
- در حکایت شحنة مردم آزار
- «تو هرگز رسیدی به فریاد کس که می خواهی امروز فریادرس؟» (همان: ۷۲۷)
- «که بر جان ریشت نهد مرهمی که دلها ز ریشت بنالد همی؟» (همان: ۷۲۹)
- سعدی در این حکایت از شحنة مردم آزار می‌پرسد تو که در روز نیاز، به فریاد کسی نمی‌رسی، چگونه توقع داری دیگران در روز سختی دستت را بگیرند؟ با این سوال، نقش همدلی ایجاد شده است.
- در حکایت گفتار اندر نواخت لشکریان در حالت امن:
- «سپاهی که کارش نباشد به برگ چرا روز هیجا نهد دل به مرگ؟» (همان: ۱۰۳۸)
- «چه مردی کند در صف کارزار که دستش تهی باشد و کار، زار؟» (همان: ۱۰۴۳)
- سعدی در دو بیت فوق با این سوال، که لشکر و سپاه که با ساز و برگ جنگی نباشد، چگونه در روز جنگ پیروز میدان می‌شود؟ با مخاطب ایجاد رابطه همدلی می‌کند.
- در حکایت گفتار اندر پوشیدن راز خویش:
- «چو کاری بر آید به لطف و خوشی چه حاجت به تندی و گردن کشی؟» (همان: ۱۱۲۰)
- در این بیت سعدی از مخاطب سوال می‌کند، وقتی کاری را با نرم خویی می‌توانی انجام دهی، چه احتیاجی به جنگ و گردن کشی است؟ و از این طریق با مخاطب رابطه‌ی همدلی برقرار می‌کند.
- در حکایت گفتار اندر نواخت ضعیفان در باب دوم، در احسان
- «یتیم ار بگیرد که نازش خرد؟ و گر خشم گیرد که بارش برد؟» (همان: ۱۱۴۵)
- در بیت بالا سعدی با این سوال، که یتیم اگر بگیرد چه کسی نازش را خریدار است؟ با مخاطب ایجاد ارتباط و در نتیجه ایجاد همدلی کرده است.
- «گر او می برد پیش آتش سجود تو واپس چرا می بری دست جود؟» (همان: ۱۱۷۸)
- در این بیت شاعر با سوال از جانب سروشی که به حضرت ابراهیم وارد شده است، ایجاد رابطه همدلی کرده است.
- «یکی با سگی نیکویی گم نکرد کجا گم شود خیر با نیکمرد؟» (همان: ۱۲۸۴)
- سعدی با بیان حکایت از شخصی که به سگی آب داده و از طرف پیغمبر خبر رسیده که گناهانش پاک شده است، و با این سوال که نیکویی کردن حتی به سگ، بی‌نتیجه نمی‌ماند، ایجاد رابطه همدلی با مخاطب می‌کند.
- «پدر گفتش اندر شب تیره رنگ چه دانی که گوهر کدام است و سنگ؟» (همان: ۱۵۱۷)
- «کسی را که نزدیک ظنت بد اوست چه دانی که صاحب ولایت خود اوست؟» (همان: ۱۵۲۵)
- در این دو بیت بالا سعدی با بیان حکایت از پدری که به پسر خود می‌گوید اگر چیز نیکی و یا گوهری می‌خواهی باید آن گوهر را همراه سنگ‌های بی‌ارزش کنارش جمع کنی تا گوهر اصل را در میان آنها بیابی و با این پرسش که ای پسر تو چگونه در شب تاریک گوهر را می‌خواهی از سنگ تشخیص دهی، به دنبال ایجاد ارتباط است.
- «تو را قدر اگر کس نداند چه غم؟ شب قدر را می‌دانند هم؟» (همان: ۱۵۷۶)
- در بیت بالا نیز سعدی با بیان حکایت درباره جوانی که یک درم به پیری بخشیده بود و همان پیر بخاطر کار نیک آن جوان او را از قصاص نجات داد، بیان می‌کند که هر کار خیری انجام دهی نتیجه اش را می‌بینی. و با پرسشی می‌گوید اگر شخصی ارزش تو را

نداند چه جای غم خوردن است؟ زیرا حتی ارزش شب قدر را هم نمی‌دانند. سعدی با بیان این پرسش مخاطب را به فکر وامی‌دارد و ایجاد ارتباط می‌کند. در نتیجه نقش همدلی را نشان می‌دهد.

«یکی را که با خواجه تست جنگ به دستش چرا می‌دهی چوب و سنگ؟» (همان: ۱۵۹۱)

سعدی با ایجاد پرسش، که چه کسی به دست دشمن خواجه‌اش چوب و سنگ می‌دهد؟ ارتباط همدلی برقرار کرده است.

«به سر وقتشان خلق کی ره برند که چون آب حیوان به ظلمت درند؟» (همان: ۱۶۳۱)

در این بیت سعدی ویژگی انسان‌های شوریده از عشق الهی را بیان می‌کند و با این سوال که انسان‌های عادی چگونه می‌توانند راه آن‌ها را بروند و انسان‌های معمولی با آن‌ها یکی نیستند، ایجاد رابطه همدلی می‌کند.

- حکایت در معنی تحمل محب صادق:

«نه پروانه جان داده در پای دوست به از زنده در کنج تاریک اوست؟

بگفت ار خوری زخم چوگان اوی؟ بگفتا به پیش در افتم چو گوی

بگفتا سرت گر ببرد به تیغ؟ بگفت این قدر نبود از وی دریغ

مرا خود ز سر نیست چندان خبر که تاج است بر تارکم یا تبر» (همان: ۱۶۷۴-۱۶۷۷)

بر اساس مفاهیمی که از ابیات فوق دریافت می‌شود و با توجه به حکایتی که سعدی در وصف جوان عاشقی در رسیدن به معشوق بیان کرده و با بیان گفت‌وگویی میان عاشق و شخصی که از او سوالاتی پرسیده است، ایجاد رابطه همدلی کرده است.

- حکایت مجنون و صدق محبت او:

«به مجنون کسی گفت کای نیک پی چه بودت که دیگر نیایی به حی؟

مگر در سرت شور لیلی نماند خیالت دگر گشت و میلی نماند؟» (همان: ۱۸۱۴-۱۸۱۵)

سعدی در دو بیت بالا با گفت‌وگویی بین مجنون و شخصی که از او سوال می‌کند که چرا در قبیله نمی‌آیی و دوری و صبوری از لیلی را تحمل می‌کنی، ایجاد رابطه همدلی می‌کند.

«عجب ماندی ای یار فرخنده رای؟ تو را کشتی آورد و ما را خدای

چرا اهل دعوی بدین نگروند که ابدال در آب و آتش روند؟

نه طفلی کز آتش ندارد خبر نگه داردش مادر مهرور؟» (همان: ۱۸۴۴-۱۸۴۶)

در سه بیت بالا با گفت‌وگویی بین یک پیر که از ابدال بود، با یک شخص دیگر، همچنین با پرسشی از طرف آن پیر، که چرا انسان‌های مدعی به این فکر نمی‌کنند که مردان خدا هر چیزی بخواهند شامل حالشان می‌شود، رابطه همدلی صورت گرفته است.

- حکایت شمع و پروانه:

«که من عاشقم گر بسوزم رواست تو را گریه و سوز باری چراست؟» (همان: ۱۹۶۵)

این بیت نشان دهنده حکایت و گفت‌وگویی بین پروانه و شمع است که با سوالی از جانب پروانه که به شمع می‌گوید: من اگر بسوزم شایسته است و حق من است اما سوز و گداز تو از بهر چیست؟ ایجاد رابطه همدلی کرده است.

- باب چهارم، حکایت حضرت عیسی و عابد و نا پارسا:

«چه خیر آمد از نفس تر دامنش که صحبت بود با مسیح و منش؟

چه بودی که زحمت بردی ز پیش به دوزخ برفتی پس کار خویش

همی رنجم از طلعت ناخوشش مبادا که در من فتد آتشش

به محشر که حاضر شوند انجمن خدایا تو با او مکن حشر من» (همان: ۲۰۴۷-۲۰۵۰)

سعدی با بیان چهار بیت بالا و با سوال از طرف عابدی که خود را میرا از گناه می‌دانست و از شخصی که به دنبال توبه بود و می‌خواست که حضرت عیسی شفاعت او را کند، دوری می‌جست، ایجاد رابطه همدلی کرده است.

- حکایت خواجه نیکوکار و بنده نافرمان:

«کسی گفت از این بنده بدخصال چه خواهی؟ ادب، یا هنر، یا جمال؟» (همان: ۲۲۱۵)

بیت بالا با گفت‌وگویی بین خواجه نیکوکار و شخصی که از او سوال می‌پرسد که چرا بنده نافرمان را تحمل می‌کنی، رابطه همدلی را به تصویر کشیده است.

-حکایت در معنی سفاقت نااهلان:

«یکی کرده بی آبرویی بسی
چه غم داردش ز آبروی کسی» (همان: ۲۲۷۶)

در بیت بالا سعدی با سوالی رابطه همدلی ایجاد کرده. سعدی می گوید کسی که آبروریزی زیادی کرده، چه غمی از آبروریزی دیگران دارد؟

-حکایت جنید و سیرت او در تواضع:

«شنیدم که می گفت و خوش می گریست
که داند که بهتر ز ما هر دو کیست؟» (همان: ۲۴۱۷)

در بیت بالا به دلیل پرسشی که جنید از دیدن سگی که در دشت صنعا دید و در ذهنش ایجاد شد، رابطه همدلی ایجاد شده است.

-باب پنجم، در رضا، حکایت تیرانداز اردبیلی:

«تو کاهن به ناوک بدوزی و تیر
نمد پوش را چون فتادی اسیر؟
شنیدم که می گفت و خون می گریست
ندانی که روز اجل کس نزیست؟
من آنم که در شیوه طعن و ضرب
به رستم درآموزم آداب حرب
چو بازوی بختم قوی حال بود
ستبری پیلم نمد می نمود
کنونم که در پنجه اقبیل نیست
نمد پیش تیرم کم از پیل نیست» (همان: ۲۵۷۵-۲۵۷۹)

در پنج بیت فوق علاوه بر پرسش، گفت و گویی میان تیرانداز اردبیلی و پرستار ایجاد شده که وجود رابطه همدلی را نشان می دهد.

-حکایت مرد درویش و همسایه توانگر:

«کسان را زر و سیم و ملک است و رخت
چرا همچو ایشان نه ای نیکبخت؟» (همان: ۲۶۰۸)

در بیت بالا به دلیل پرسشی که از زن به شوهر درویش دارد، نقش همدلی موجود است.

«چو در خفیه بد باشم و خاکسار
چه سود آب ناموس بر روی کار؟
چه داند مردم که در جامه کیست؟
نویسنده داند که در نامه چیست
چه وزن آورد جایی انبان باد
که میزان عدل است و دیوان داد؟» (همان: ۲۶۸۷-۲۶۸۹)

در سه بیت بالا با پرسشی از طرف یکی از همراهان آن سیه کاری که از نردبانی افتاد و مرد، رابطه همدلی ایجاد شده است.

«چه می خواهم از طارم افراشتن؟
همینم بس از بهر بگذاشتن» (همان: ۲۸۲۵)

بیت بالا به دلیل پرسش شخصی که به اندازه قامتش خانه درست کرده بود، رابطه همدلی وجود دارد.

-حکایت گفتار در صبر بر ناتوانی به امید بهی:

«بدر می کنند آبیگینه ز سنگ
کجا ماند آینه در زیر زنگ؟» (همان: ۲۸۵۰)

بیت بالا با پرسش که آیا ممکن است چیزی بالارزش در میان چیزهای بی ارزش گم و پنهان بماند، رابطه همدلی را نشان می دهد.

-باب هفتم، در عالم تربیت:

«تو با دشمن نفس همخانه ای
چه در بند پیکار بیگانه ای؟» (همان: ۲۸۷۵)

بیت بالا با سوالی در ارتباط با اینکه تو پیرو دشمن درونی یا نفس خود هستی، آن وقت چگونه به دنبال جنگ با دشمن بیرونی هستی؛ رابطه همدلی را نشان می دهد.

-حکایت گفتار اندر غیبت و خلل هایی که از وی صادر شود:

«به ناراستی در چه بینی بهی
که بر غیبتش مرتبت می نهی؟» (همان: ۳۰۱۸)

«حسودی پسندت نیامد ز دوست
که معلوم کردت که غیبت نکوست؟» (همان: ۳۰۲۴)

بیت بالا با سوال و همچنین شکل گرفتن گفت و گویی میان سعدی و شخصی که غیبت کردن را از دزدی کردن و یا حسادت دوست، بهتر می دانست، رابطه همدلی را نشان داده است.

«به شب سنگ بالایی ای خانه سوز
چرا سنگ زیرین نباشی به روز؟» (همان: ۳۱۵۱)

بیت بالا با ایجاد پرسشی از طرف پیرمرد به جوانی که از ناسازگاری زنش می نالید، رابطه همدلی را نشان می دهد.

-حکایت گفتار اندر پروردن فرزندان:

«چو بر پیشه ای باشدش دسترس
کجا دست حاجت برد پیش کس؟

- ندانی که سعدی مراد از چه یافت؟ نه هامون نوشت و نه دریا شکافت» (همان: ۳۱۶۶-۳۱۶۷)
- سعدی در دو بیت بالا با پرسش از مخاطب با او ارتباط برقرار کرده که نشان دهنده رابطه همدلی است.
- «که یارد به کنج سلامت نشست؟ که پیغمبر از خبث ایشان نرست
- خدا را که مانند و انباز و جفت ندارد، شنیدی که ترسا چه گفت؟» (همان: ۳۲۷۸-۳۲۷۹)
- در دو بیت بالا شاعر با این پرسش که آیا ممکن است کسی همیشه در آرامش و سلامت کامل باشد، رابطه همدلی ایجاد کرده است.
- باب هشتم، در شکر بر عافیت، حکایت سلطان طغرل و هندوی پاسبان
- «مگر نیک بخت فراموش شد چو دستت در آغوش آغوش شد؟
- تو را شب به عیش و طرب می رود چه دانی که بر ما چه شب می رود؟
- فرو برده سر کاروانی به دیگ چه از پا فرو رفتگانش به ریگ؟» (همان: ۳۴۱۴-۳۴۱۶)
- سه بیت بالا با وجود پرسشی از طرف سعدی که سلطان طغرل را زیر سوال برده؛ رابطه همدلی را نشان می‌دهد.
- حکایت نظر در اسباب وجود عالم:
- «رمق مانده‌ای را که جان از بدن بر آمد، چه سود انگبین در دهن؟» (همان: ۳۴۴۸)
- بیت بالا به دلیل پرسشی که سعدی کرده است، نقش همدلی دارد. سعدی می‌پرسد عسل که این همه برای زندگان فواید دارد، وقت مردن و جان دادن شخص، چه فایده‌ای برایش دارد؟
- باب نهم، در توبه و راه صواب، حکایت در معنی ادراک پیش از فوت:
- «مگر دل نهادی به مردن ز پس که بر می نخیزی به بانگ جرس؟» (همان: ۳۶۴۲)
- «به مایه توان ای پسر سود کرد چه سود افتد او را که سرمایه خورد؟» (همان: ۳۶۵۷)
- دو بیت بالا که برگرفته از حکایتی درباره در یافتن و استفاده درست از فرصت‌ها قبل از فرا رسیدن مرگ است. سعدی با سوال از شخصی که صدای جرس را نشنید و در خواب به سر برد، ایجاد رابطه همدلی کرده است.
- «چرا دل بر این کاروانگه نهیم؟ که یاران برفتند و ما بر رهیم» (همان: ۳۷۴۴)
- بیت بالا با این سوال، که ما همه در این دنیا، به وقتش فانی می‌شویم پس چرا باید به آن دل ببندیم، ایجاد رابطه همدلی کرده است.
- «ولیکن تو دنبال دیو خسی ندانم که در صالحان چون رسی؟» (همان: ۳۷۹۹)
- بیت بالا با سوال از شخصی که پیرو شیطان بود اما بعد از اتمام گناه بر شیطان لعنت می‌داد، ایجاد رابطه همدلی کرده است. تویی که به دنبال شیطان هستی چگونه می‌خواهی به نیکی صالحان برسی؟
- حکایت زلیخا با یوسف:
- «چه سود از پشیمانی آید به کف چو سرمایه‌ی عمر کردی تلف؟» (همان: ۳۸۵۵)
- در بیت بالا با بیان گفت‌وگویی میان زلیخا و یوسف پیامبر و بیان سوالی از طرف یوسف به زلیخا که چه سودی با گناه کردن می‌توانی ببری؟ یک رابطه همدلی ایجاد شده است.
- «هنوز ار سر صلح داری چه بیم؟ در عذرخواهان نبندد کریم» (همان: ۳۸۸۳)
- سعدی با بیان این بیت به صورت سوالی از زبان پارسایی به شخصی که از مهتر و رئیس دامغانی، کتک خورده بود، ایجاد رابطه همدلی کرده است.
- باب دهم، در مناجات و ختم کتاب:
- «که با نفس و شیطان بر آید به زور؟ مصاف پلنگان نیاید ز مور» (همان: ۳۹۲۴)
- «تو دانایی آخر که قادر نیم توانای مطلق تویی، من کیم؟» (همان: ۳۹۵۴)
- در دو بیت بالا سعدی با سوال در بیان عجز موجودات در برابر خداوند، رابطه همدلی ایجاد کرده است.
- «چه شایسته کردی که خواهی بهشت؟ نمی زبیدت ناز با روی زشت
- «بگفت این سخن پیر و بگریست مست که مستم بدار از من ای خواجه دست
- «عجب داری از لطف پروردگار که باشد گنهکاری امیدوار» (همان: ۳۹۸۵-۳۹۸۷)

سعدی درسه بیت بالا با ایجاد گفت‌وگویی بین شخص مست که به دنبال بهشت بود و شخص مودن و همچنین با این سوال از طرف شخص مست که آیا تو از این همه لطف پروردگار که به گنه‌کاران امید توبه داده است، تعجب می‌کنی؟ ایجاد رابطه همدلی کرده است.

«که زور آورد گر تو یاری دهی؟» که گیرد چو تو رستگاری دهی؟» (همان: ۴۰۰۰)

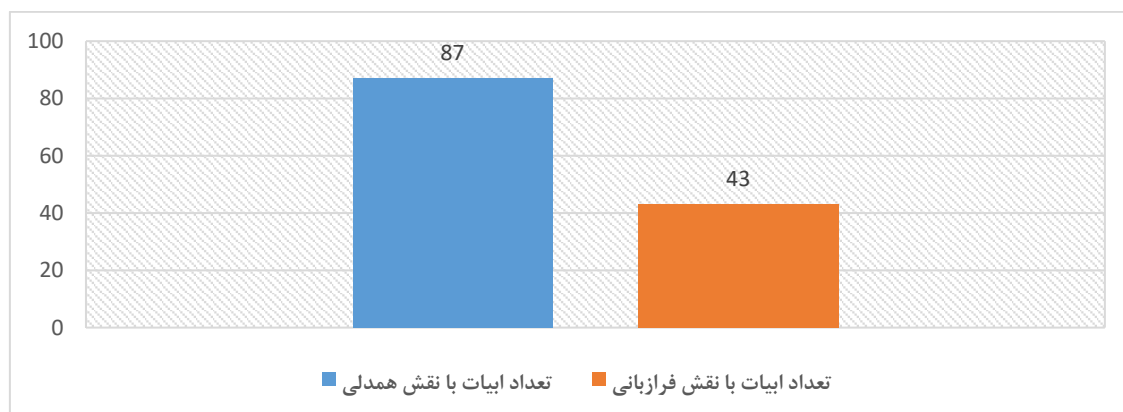
سعدی در این بیت با این پرسش که اگر خدا کسی را سروری یا دون بختی دهد چه کسی می‌تواند شرایطش را تغییر دهد، ایجاد رابطه همدلی کرده است.

نقش فرازبانی:

با توجه به اینکه در این نوع از نقش‌های زبانی، جهت‌گیری پیام به سوی رمز است، سعدی در بوستان کمتر از این روش برای گفت‌وگو استفاده کرده است و بیشتر کلمات مورد استفاده، مفاهیم و موضوعات مورد نظر خود را شرح داده است. البته او گاهی هم برای نمایشی جلوه دادن حکایات و گاهی برای افاده معانی نو، این شیوه را به کار می‌گیرد. همچنین گاهی با کارکردهایی مانند جان‌نشین سازی، به زیباسازی فرم و ایجاد معنای خاص، از این شیوه استفاده می‌کند. تعداد ابیاتی که در این پژوهش به عنوان نقش فرازبانی شناخته شده، حدود (۴۳) بیت است.

نقش همدلی:

سعدی از جمله شاعرانی است که با بیانی دقیق در پی ایجاد یک رابطه همدلانه است. در واقع در بسیاری از ابیات بوستان، گوینده سعی می‌کند با مخاطب ارتباط برقرار کند. و با بیان بیت‌هایی که نقش همدلانه دارد، سعی در تداوم ارتباط خود با مخاطب دارد. ارتباط از راه‌های مختلفی صورت می‌گیرد گاهی با پرسش از مخاطب یا او ارتباط ایجاد می‌کند. تعداد ابیاتی که در این پژوهش به عنوان نقش همدلی شناخته شده، ۸۷ بیت است.



نمودار ۱- ابیات بررسی شده

جدول ۱: تعداد و درصد ابیات با نقش‌ها

تعداد و درصد ابیات با نقش همدلی	۸۷ بیت درصد ۷/۴۹
تعداد و درصد ابیات با نقش فرازبانی	۴۳ بیت درصد ۳/۷
تعداد ابیات بوستان سعدی	۴۰۱۰
تعداد ابیات استخراج شده	۱۱۶۱
درصد ابیات استخراج شده	۲۸/۹۵

پیشنهادها

۱. پیشنهاد می‌شود دانشجویان و پژوهشگران آینده روی هر دو حکایات فرعی و اصلی بوستان کار کنند.
 ۲. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران آینده ابیاتی را که در بوستان، دارای چند نقش زبانی پررنگ هستند، پیدا کنند و بررسی‌های لازم را در آن ابیات انجام دهند.
- پیشنهاد می‌گردد مقایسه‌ای تحلیلی درباره اندیشه‌های فرمالیستی اعم از هنجارگرایی، آشنایی‌زدایی، قاعده‌افزایی و... در بوستان سعدی انجام شود.

منابع

- [1] Argyris, C., & Schön, D. A. (1978). *Organizational learning: A theory of action perspective*. Addison-Wesley.
- [2] Barney, J. (1991). Firm resources and sustained competitive advantage. *Journal of Management*, 17(1), 99-120.
- [3] Blau, P. M. (1964). *Exchange and power in social life*. John Wiley & Sons.
- [4] Greenberg, J. (1987). A taxonomy of organizational justice theories. *Academy of Management Review*, 12(1), 9-22.
- [5] Hughes, J. C., & Rog, E. (2008). Talent management: A strategy for improving employee recruitment, retention and engagement within hospitality organizations. *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, 20(7), 743-757.
- [6] Vroom, V. H. (1964). *Work and motivation*. Wiley.
- [7] Gholipour, A., Jandaghi, G., & Zarei, A. (2017). Identifying Barriers to the Implementation of Career Path System in Governmental Banks. *Journal of Public Administration*, 9(1), 115-138. [In Persian]
- [۸] قلی پور، آرین، جندقی، غلامرضا، و زارعی، عظیم. (۱۳۹۶). شناسایی موانع استقرار نظام مسیر پیشرفت شغلی در بانک های دولتی. فصلنامه مدیریت دولتی، ۹(۱)، ۱۱۵-۱۳۸.
- [9] Rahimi, F., Danaeifard, H., & Azar, A. (2019). Designing a Career Path Model for the Employees of the National Iranian Oil Company. *Human Resource Management in the Oil Industry*, 11(41), 9-40. [In Persian]
- [۱۰] رحیمی، فرج اله، دانایی فرد، حسن، و آذر، عادل. (۱۳۹۸). طراحی مدل مسیر شغلی کارکنان شرکت ملی نفت ایران. فصلنامه مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت، ۱۱(۴۱)، ۹-۴۰.